

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1393/08/20



موضوع: مسئله سوم از مسائل مطهریت ماء
سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه در بحث مطهریت آب مسائلی را به عنوان فروع بیان می فرمایند که مسئله اول و دوم را گفتیم، مسئله سوم می فرماید: «يجوز استعمال غساله الاستنجاء فی التطهیر علی الاقوی و کذا غساله سایر النجاسات علی القول بطهارتها و اما علی المختار من وجوب الاجتناب عنها احتیاطاً فلا».

دو بحث استنجاء
درباره غساله استنجاء دو بحث داریم: بحث اول طهارت غساله، بحث دوم آثار طهارت. اما بحث اول جزء مباحثی است که اجماعاً و نصاً و فتواً مورد اختلاف نیست که غساله استنجاء طاهر است. در طهارت غساله استنجاء شک و تردید و اختلاف وجود ندارد. و اما مسئله دوم مورد بحث است و آن این است که پس از که غساله استنجاء گفتیم که طاهر است، آیا می شود با غساله استنجاء تطهیر انجام داد، نجاستی را ازاله کرد و یا رفع حدث نمود، وضو و غسل انجام داد یا نمی شود؟

اما غساله سایر نجاسات
بعد از این مطلب را توسعه می دهند، می فرمایند: «و کذا غساله سایر النجاسات»، غیر از غساله استنجاء غساله سایر نجاسات، نجاست هایی که تطهیر شده است و مورد ابتلاء بوده، غساله هم زیاد بیرون آمده، این غساله ها محکوم به طهارتند یا محکوم به نجاست که در بحث فاضلاب مفصل مسئله را بحث کردیم و گفتیم که نجاست آنجا قطعی است و حتی گفته شد که رستنی ها و گیاهانی که توسط آب فاضلاب روییده باشند مستقیماً محکوم به نجاستند علی الاحتیاط الواجب. اما الان بحث در این است که سید فتوایش این است که غساله استنجاء فقط پاک و طاهر است و اما غساله سایر نجاسات علی المبناست، در اینجا

محل اختلاف است، بعضی از فقهاء فتوایشان این است که غسله سایر نجاسات هم پاک است و بعضی بر این هستند که غسله سایر نجاسات پاک نیست که سید فرمود احتیاط واجب اجتناب است از غسله سایر نجاسات.

سوال: منظور آب قلیل است یا هر آبی
جواب: قطعاً منظور آب قلیل است. و آب کثیر بحث جدایی دارد. آب کثیر اجمالش این است که در غسله آب کثیر اگر تغیر احراز نشود، اشکالی ندارد.

اقوی جواز تطهیر به غسله استنجا است همانطور که در متن آمده است می فرماید: «يجوز استعمال غسله الاستنجا في التطهير على الاقوى»، غسله استنجا در تطهیر هم جایز است علی الاقوی، می توانید با غسله استنجا تطهیر انجام بدهید. بعد از این مراجعه کنیم به مدرک این حکم، ادله چه می گوید؟ آیا دلیلی داریم که برای ما راهنمایی کند که تطهیر به وسیله غسله استنجا جایز است؟ درباره استدلال به جواز تطهیر به غسله استنجا باید توجه کرد آنچه که به عنوان دلیل قطعی وجود دارد این است که خود غسله محکوم به طهارت است اما مطهر هم است، تطهیر هم به وسیله غسله استنجا ممکن است یا نیست، فقهاء می گویند تطهیر خبث هم جایز است نه تطهیر حدث. وضو و غسل نمی شود گرفت اما ازاله نجاست می شود. می شود نجاستی را به وسیله غسله استنجا مرتفع کرد،

ادله اطلاق و نصوص

دلیل این مطلب را اطلاق روایات تغسیل به آب بیان می کند. سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «و الوجه فيه اطلاق روایات التطهير و التغسيل [1]»، از جمله این روایات صحیح بزنطی، محمد بن ادریس فی آخر السرائر نقلاً من کتاب الجامع لاحمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، این صحیح است، سند نیامده. هر موقع سند اینگونه دیدیم، نقل ابن ادریس در آخر سرائر معتبر است و آن هم نقل از کتاب بزنطی هم نقلش معتبر و اسنادش درست است. این اسناد درست است و سند می شود صحیح. هرچند مطالعه رجالی مان اگر ضعیف باشد، فکر می کنیم که این حدیث مرسل است ولی این حدیث صحیح است. لاحمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی که از مشایخ ثلاثه است، قال سألته عن البول، سألته مضمرة است منتها مضمرة بزنطی است و بزنطی از اصحاب امام رضا علیه السلام است، «سألته» یعنی از امام رضا علیه السلام، «عن البول یصیب الجسد قال صبّ علیه الماء مرّتين فانما هو ماء [2]». سوال کردم از بولی که به جسد اصابت کرده، فرمود بریز آب را بر آن، آب را بریز روی موضع متنجس و تطهیر به عمل می آید. در این حدیث سیدنا می فرماید: اطلاق داریم، گفته اند که صبّ یعنی آب را بریز، آب اعم است از آبی که قبل از استعمال باشد یا آب استعمال شده باشد، غسله آب استعمال شده است، آب استعمال شده هم آب است. اطلاق روایت شامل غسله هم می شود. روایت دوم صحیح محمد بن

مسلم: محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن احمد بن يحيى، اسناد شيخ به محمد بن احمد بن يحيى که اشعری و درست است و محمد بن احمد بن يحيى اشعری که از اجلاء و ثقات و وجوه قمیین است، عن السندی بن محمد هم که توثیق خاص دارد، عن العلاء که علاء بن رزین از اجلاء و ثقات، عن محمد بن مسلم «سالت ابا عبد الله عليه السلام عن الثوب يصيبه البول قال اغسله في المكن مرتين فان غسلته في ماء جارٍ فمره واحده [3]». اینجا هم استفاده ای که از این حدیث می شود این است که سند صحیح و دلالت هم واضح، اطلاقی که دارد این است که گفته است شئ متنجس یعنی ثوب آلوده به بول را با آب تطهیر کنید، شستشو کنید، شستشو با آب اطلاق دارد که با آبی باشد که اصلاً استعمال نشده، یا با آبی باشد که استعمال شده باشد که عبارت است از غسله، فرق نمی کند. روایت سوم: و عنه عن علی بن ابراهیم عن ابیه که ابراهیم بن هاشم است که ابراهیم بن هاشم را سیدنا الاستاد در مجموعه ممدوحین آورده اند و ما در جمع عدول آوردیم، بر مبنای ما می شود سند صحیح و بر مبنای ایشان می شود روایت حسنه. عن عبد الله بن سنان که جزء اصحاب اجماع هستند، «قال ابو عبد الله عليه السلام اغسل ثوبك من ابوال ما لا يوكل لحمه [4]»، ثوبت را اگر آلوده شده باشد به ابوال ما لا يوكل لحمه شستشو کن به آب، این هم اطلاق دارد و اطلاقیش شامل می شود آب قبل از استعمال و آب بعد از استعمال در صورتی که طاهر باشد. اگر آب نجس باشد که در آن شک نداریم، آب اگر طاهر باشد قبل از استعمال و بعد از استعمال آب است. ادله دال بر جواز تطهیر به وسیله غسله اطلاقات این نصوص بود که گفته شده است. اما سیدنا الاستاد در ادامه می فرماید: تا اینجا از اطلاقات استفاده کردیم که تطهیر به وسیله غسله استنجا به عنوان ازاله خبث یا رفع خبث درست است اما رفع حدث وضو می شود گرفت، وضو و غسل جایز نیست. برای اینکه درباره وضو و غسل دو تا دلیل داریم که غسله استنجا جایز نیست که برای رفع حدث استفاده شود و رفع حدث نمی کند. دلیل اول اجماعات است، خود سید می گوید اجماعات منقوله. در اصول اجماع را به چه شدت ما گفتیم که اعتبارش ثابت نیست مخصوصاً اجماعات منقوله، اینجا خود سید می فرماید: دلیل اول اجماعات منقوله، چرا تعارض بین این دو تا رأی و تضارب است؟ جوابش را دادیم که آنجا اصول است و اینجا فقه است، در تعارض هشت وحدت شرط است، وحدت موضوع و محمول و مکان، آنجا مکان اصول است و اینجا مکان فقه است پس تعارضی نیست. اما دلیل دوم روایتی است که سند آن این است و بالاسناد عن سعد بن عبد الله عن الحسن بن علی عن احمد بن هلال عن الحسن بن محبوب عن عبد الله بن سنان عن ابي عبد الله، بالاسناد هر کجا بالاسناد دیدید به روایت قبل مراجعه کنید، ببینید روایت قبل در ابتداء راوی چه کسی است، هر کسی در ابتدای سند قبلی راوی بود، بالاسناد همان راوی اول سند قبلی می شود. منتها اگر سند قبلی هم عنه داشت، یعنی شخص راوی ذکر نشده بود به روایت قبلیش مراجعه کنید، ببینید که در ابتدای روایت کدام راوی آمده است. این روایت جزء آن موارد است، بالاسناد روایت قبلی و عنه دارد، روایت قبل از آن هم محمد بن الحسن عن المفید پس معلوم شد که عنه می رود به شیخ مفید. اسناد شیخ مفید و شیخ طوسی عن سعد بن عبد الله، اسناد شیخ طوسی به سعد بن عبد الله قمی اشعری درست است عن الحسن بن علی، حسن بن علی که از مجموعه بنو فضال است که خذوا ما روا و دعوا ما رأوا که به روایاتش اعتماد می شود، عن احمد بن هلال این

احمد بن هلال از دید سیدنا الاستاد ممکن است به اشکالی برخورد که ایشان می فرماید: ممکن است ما به این سند اشکال کنیم ولیکن احمد بن هلال با توجه به اینکه از یک سو از حسن بن محبوب نقل می کند و برمبنایی که در اصحاب اجماع داریم، ناقلین از اصحاب اجماع هم معتبرند و از سوی دیگر هم مدحی درباره ایشان وجود دارد، لذا براساس مبنای ما که مشایخ هم به این روایت اعتماد کرده اند و نقل کردند. مبنای ما این بود که مجموع امتیازات بشود سبب برای حصول وثوق و موضوع حجیت خبر هم وثوق به صدور بود. پس مجموع امتیازات می شود موجب وثوق و وثوق به صدور هم که موضوع حجیت خبر است. بر مبنای ما سند ممکن است از اعتبار درستی برخوردار باشد. سید هم در اشکال خودش تردید دارد، می گوید اگر اشکال نکنیم، یعنی اشکالش هم جدی نیست. سند لا بأس به شد. «عن ابی عبدالله علیه السلام قال لا بأس بأن يتوضو بالماء المستعمل فقال الماء الذی یغسل به الثوب أو یغتسل به الرجل من الجنابه لا يجوز أن يتوضو منه»[5]، عبدالله بن سنان از امام صادق نقل کرد که امام فرمود: مانعی ندارد که وضو گرفته بشود به آب مستعمل، منظور از آب مستعمل به قول مطلق، فرض کنید که آب مستعمل این بوده که یک مقدار از آن آب نوشیده اید یا آن آب را از ظرفی به ظرف دیگری گذاشته اید، این آب مستعمل است به قول مطلق اما آبی که به او غسل جنابت انجام شده «لا يجوز أن يتوضو منه و اشباهه»، منه از آن آبی که برای غسل جنابت استفاده شده که آن غساله استنجاء در ضمن آن است و اشباهه هم که دقیقاً غساله استنجاء باشد. وضو با آب که غساله غسل جنابت است یا غساله استنجاء است، وضو جایز نیست. سیدنا می فرماید: عدم رفع حدث به وسیله اجماعات و به وسیله این دلیل خاص است. اگر این دلیل خاص نبود، ممکن بود که ما بگوییم که حتی رفع حدث هم بشود، رفع خبث که می کند. این کل استدلال بود تا اینجا در جهت تطهیر به وسیله غساله استنجاء.

سوال: در غسل جنابت بعد از تطهیر بدن غسل می کند لذا آب آن نجس نیست ولی در استنجاء تطهیر صورت نگرفته.

جواب: غسل جنابت معنایش این است که اگر موضع خاصی را به طور دقیق بتوانید پیدا کنید که تطهیر به عمل آمد و ازاله نجاست شد، استبراء و تطهیر و استنجاء شد، آنگاه جداگانه غسل جنابت انجام شد، این حرف درست است و اما به طور مطلق غسل جنابت مرکب از استنجائی که محل تطهیر می شود، آنگاه غسل انجام می شود. و بعدش هم مع الغصّ عن ذلک گفتم که در نص دارد و اشباهه که اشباهه غیر از استنجاء چیز دیگر نیست. خود غساله و استعمال آب را که به صورت عدم تنجس استعمال شده باشد که گفتیم در ابتداء اشکالی ندارد اما آن آب هایی که در جهت رفع خبث به کار رفته است، آن آب قابلیت برای رفع حدث ندارد. این استدلالی که شده است.

استدلال برای عدم جواز تطهیر به وسیله غساله استنجاء

یقال، گویا فتوا نیست اما قول و ادله و استدلالی است، در مرحله استدلال اولین دلیل عبارت است از موثقه عمار، موثقه عمار، محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن احمد بن یحیی عن احمد بن یحیی عن احمد بن الحسن بن علی عن عمرو بن سعید عن مصدق بن

صدقه همه این روایات توثیق دارند و معتبرند عن عمار ساباطی که عمار عدل امامی نیست و روایت می شود موثقه. «قال سئل عن الكوز و الاناء يكون قذرا كيف يغسل و كم مره يغسل»، ظرفی که محتوا دارد، ظرفیت دارد، دری دارد و جوف و داخلی دارد، این را چگونه تطهیر کنیم؟ «قال يغسل ثلاث مرات، يصب فيه الماء فيحرك فيه ثم يفرغ منه ثم يصب فيه ماء آخر فيحرك فيه ثم يصب فيه ماء آخر فيحرك فيه ثم يفرغ منه و قد طهر[6]». محتوای روایت این است که ظرفی که دری دارد و داخل و جوفی دارد، این را چگونه تطهیر کنیم؟ آقا فرمود سه بار تطهیرش کنید در حین عملیات تطهیر، مرحله اول آب را بریزید داخلش و تکان بدهید و بریزید دور، بعد بار دوم همینطور آب را بریزید تکان بدهید بریزید بیرون، بار سوم هم همین و پاک می شود. استدلال این است که اگر آب غساله طاهر باشد، نیاز به بیرون ریختن نیست، سه بار تحریک کنید، سه بار تکان بدهید، یک بار آب را تکانش بدهید یک مره، همان جا در داخل مانده بار دوم تکانش بدهید می شود مرتبه دوم و بار سوم همینطور، اگر غساله نجس نباشد و قابلیت تطهیر را داشته باشد، همان جا می تواند یک آب سه مرتبه حرکت بدهید و سه بار تطهیر است، بیرون ریختن معنا ندارد، چون که امام فرموده است باید ریخته شود دلیل بر این است که غساله مطهر نیست و با غساله تطهیر انجام نمی شود، رفع خبث صورت نمی گیرد. سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: این حدیث هرچند سندش درست است ولی دلالتش ربط بر مطلوب ما ندارد. برای اینکه ما می گوئیم غساله اول در رفع خبث نجس است، بحث ما درباره غساله طاهر است، غساله اول قطعاً نجس است، قائل به تعدد در تطهیر باشیم یا نباشیم، غساله اول که نجس است باید ریخته بشود. و بعد هم غساله سوم که گفتیم غساله متعقبه به طهارت باید پاک باشد، قبل از صب و ریختن در موضع نجس باید آن آب پاک باشد و با حرکت دادن و تکان دادن و افراغ بیرون ریختن عملیات تغسیل صورت می گیرد و بدون بیرون ریختن اصلاً تغسیلی در معنای عرفی اش محقق نمی شود. بنابراین این روایت هیچ گونه دلالتی بر عدم مطهریت غساله ندارد[7]. اما دلیل دوم این است که سید الحکیم می فرماید: برای عدم جواز تطهیر به وسیله غساله استنجا استدلال شده است به انصراف که منظور از تغسیل به آب آن آب مطلقاً است که قبل از اتصاف به غساله باشد، آب مطهر منصرف از غساله است. بنابراین می گوئیم اصلاً تطهیر به وسیله غساله درست نیست، برای اینکه تطهیر و تغسیل به آب انصراف دارد به آبی که هنوز در جهت استنجا استفاده نشده باشد. سید الحکیم می فرماید که این انصراف ممنوع است[8]. گفته بودیم که حجیت عرف و حجیت انصراف دو شرط دارد: 1. تحقق و احراز، 2. عدم معارض با ادعای مخالف. مثلاً اگر گفتید عرف این را بگوید، باید عرف مخالفی در برابرش وجود نباشد و آن عرف احراز بشود. اگر عرف مقابلی داشت یا انصراف مقابلی داشت. در اینجا قائلین به عدم جواز ادعاء می کند انصراف را و قائلین به جواز ادعاء می کنند عدم انصراف را، اینجا طبق قاعده هر دو انصراف تعارض می کند و انصراف هم از سنخ لبّیات است، با اندک تعارض انصرافی نیست. دو تا انصراف که تعارض کرد و از بین رفت، اطلاق مورد شبهه قرار می گیرد. پس از اساس اطلاق ثابت نیست، چون اطلاق اگر ثابت باشد معنایش عدم انصراف است. این دو تا تساقط صدمه به اصل تحقق اطلاق می کند و طبق قاعده شک در اطلاق. اطلاق هم گفتیم وقتی اعتبار دارد که قطعی و محرز باشد و شک در اطلاق مساوی با عدم اطلاق

است. تا اينجا اين مطلب گفته شد، شرح مسئله و توضيح كامل آن براي جلسه آينده.

-
- [1] التنقيح في شرح العروه الوثقى، سيد ابوالقاسم خويي، ج4، ص21.
 - [2] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملي، ج2، ص1002، ابوابنجاسات، ب1، ح7، ط اسلاميه.
 - [3] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملي، ج2، ص1002، ابوابنجاسات، ب2، ح1، ط اسلاميه.
 - [4] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملي، ج2، ص1008، ابوابنجاسات، ب8، ح2، ط اسلاميه.
 - [5] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملي، ج1، ص155، ابوابماء مضاف، ب9، ح13، ط اسلاميه.
 - [6] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملي، ج2، ص1076، ابوابنجاسات، ب53، ح1، ط اسلاميه.
 - [7] التنقيح في شرح العروه الوثقى، سيد ابوالقاسم خويي، ج4، ص21 و 22.
 - [8] مستمسك العروه الوثقى، سيد محسن حكيم، ج2، ص11.